

بررسی تأثیر شاه شجاع بر اشعار حافظ و شعر قرن هشتم

زخرف خانی سمسکنده*، محمود عابدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۵، صفحات ۲۱۳-۲۲۹

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۴۱۱

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

پیشینه و اهداف: شاه شجاع (۷۳۳-۷۸۶ ه.ق) سرآمدترین پادشاه خاندان مظفر و از بزرگترین پادشاهان قرن هشتم در ایران است. او به شعر و ادب و تربیت علما و شاعران علاقه داشته و بسیاری از آنان را در دربار خود گرد آورده بود. او مخاطب اصلی اشعار حافظ است. در این مقاله بر آنیم به نقش و تأثیر شاه شجاع بر اشعار حافظ بپردازیم. برای این منظور ضمن معرفی شاه شجاع و بیان نقش او در روند علمی و ادبی قرن هشتم، به ارائه دو غزل تازه یافت‌شده از او پرداختیم و این دو غزل را از نظر سبکی با دو غزل از حافظ که در استقبال از همین دو غزل شاه شجاع سروده شده است، مقایسه کردیم.

روش مطالعه: پژوهش پیش رو مطالعه‌ای نظری به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، کتابهای مربوط به تاریخ، ادبیات و شعر قرن هشتم و نیز نسخه‌های خطی‌ای بوده که اشعاری از شاه شجاع را در خود گنجانده است.

یافته‌ها: از شاه شجاع دیوانی شامل اشعار عربی و فارسی و نیز نامه‌هایی بجا مانده که از شناخت وی از شعر شاعران بزرگی چون سعدی و فردوسی حکایت دارد و حتی اشعاری از این شاعران را تضمین کرده و دستی نیز در نقد شعر داشته است.

نتیجه‌گیری: شاه شجاع بعنوان مخاطبی فرهیخته و اهل ذوق و ادب، علاوه بر فهمیدن اشعار حافظ و دیگر شاعران، در شکل‌گیری و نوع شعر آنها نیز بی‌تأثیر نبوده است؛ بگونه‌ای که حافظ دو غزل در استقبال از غزل‌های او سروده است، سلمان ساوجی مطلع قصیده خود را بدلیل انتقاد شاه شجاع تغییر داده و عزالدین مطهر پنج بیت از ابیات شاه شجاع را در قصیده خود تضمین کرده است.

تاریخ دریافت: ۱۱ خرداد ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۱۳ تیر ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۲۴ تیر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۳ شهریور ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

آل مظفر، شاه شجاع، شعر،
قرن هشتم، حافظ.

* نویسنده مسئول:

✉ kh.zokhrof@gmail.com

☎ ۸۶۰۷۲۷۴۰ (۹۸ ۲۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the influence of the Shah Shoja' on the poems of Hafez and the poetry of the eighth century

Z. Khani Semeskandeh*, M. Abedi

Department of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۱ June ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۴ July ۲۰۲۱

Revised: ۱۵ July ۲۰۲۱

Accepted: ۰۴ September ۲۰۲۱

KEYWORDS

Muzaffar dynasty, Shah shoja, poetry, poem, eighth century, Hafez.

*Corresponding Author

✉ kh.zokhrof@gmail.com

☎ (+۹۸ ۲۱) ۸۶۰۷۲۷۴۰

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Shah shoja' (۷۳۳-۷۸۶ AH) is the most prominent king of the Muzaffar dynasty and one of the greatest kings of the eighth century in Iran. He was interested in poetry, literature, and the training of scholars and poets, and had gathered many of them at his court. He is the main audience of Hafez's poems. In this article, we intend to discuss the role and influence of Shah shoja' on Hafez's poems. For this purpose, while introducing Shah shoja' and expressing his role in the scientific and literary process of the eighth century, we presented two newly found sonnets from him and these two sonnets in terms of style with two sonnets from Hafez who welcomed these two sonnets of the Shah Brave is composed, we compared.

METHODOLOGY: The present study is a theoretical study in the form of library research. The area and community studied are books on eighth-century history, literature, and poetry, as well as manuscripts that include poems by Shah shoja'.

FINDINGS: Remained Arabic and Persian poems and also letters from Shah shoja' demonstrate his cognition of eminent poets such as Sa'adi and Ferdowsi. He also annexed some poems from these poets. Furthermore, Shah shoja' was proficient in poet criticism.

CONCLUSION: Shah Shoja 'as a cultured audience and people of taste and literature, in addition to understanding the poems of Hafez and other poets, has not been ineffective in their formation and type of poetry; In such a way that Hafiz has composed two lyric poems in response to his lyric poems, Informed Salman Savoji has changed his ode due to criticism of Shah Shoja' and Ezz al-Din Motahar has guaranteed five verses of the verses of the brave king in his ode.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۴۱۱](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.10.7411)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۳۰	 ۰	 ۰

مقدمه

هر قدر چشم‌انداز اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در عهد آل اینجو و آل مظفر مأیوس‌کننده است، وضعیت فرهنگی در این دوره بسیار قابل توجه مینماید. این دوره در زمره ادوار شکوفای ادبیات ایران محسوب میشود. آنها نه تنها در زیباسازی و توسعه شیراز بعنوان پایتخت میکوشیدند، سیمای چند شهر دیگر ایران مثل یزد، کرمان، و اصفهان را نیز شکل دادند (ایران در راه عصر جدید، رویمر: ص ۴۷). با توجه به علاقه‌ای که این حاکمان به شعر و ادب داشتند، عالمان و شاعران بسیاری در شیراز گرد آمدند و محیط مساعدی برای علم و ادبیات فراهم شده بود (حافظ شیرین‌سخن، معین، ج ۱: ص ۱۷۲)؛ چنانکه شیراز را دارالعلم میگفتند (روضه‌الصفاء، کیانفر، ج ۶: ص ۱۵۵). وجود چنین پناهگاهی برای فرهنگ ایرانی و علاقه‌مندی برخی سلاطین که جسته‌وگریخته به شعر و ادب توجه میکردند، در دوره پراضطراب مغول مغتنم شمرده میشد. آنان هم در حفظ سنن و آداب تا آنجا که مقدورشان بود کوشیدند و هم با ایجاد کتابخانه‌ها و گردآوردن ادیبان و شاعران و فاضلان و بزرگداشت آنان و تشویقشان به تألیف کتابها و ایجاد منظومه‌ها و سرودن قصیده‌ها، باعث شدند ادب پارسی از اواسط قرن هفتم تجدیدحیاتی کند و بازار دانش و ادب بیکباره از رونق نیفتد (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۳: ص ۴۷).

در این عصر گروهی مانند حافظ، خواجو، رکن صاین، صدرالدین عراقی، عماد فقیه کرمانی، عزالدین مطهر و ... به دستگاه سلطنت راه یافتند. همین علاقه حاکمان به شعر و حمایت از شعرا سبب شده بود از نواحی دیگر هم شاعران معروفی مانند سلمان ساوجی و عبید زاکانی با آنان مکاتبه داشته باشند و اشعاری را برای آنان بفرستند. دوران حکومت آل مظفر از لحاظ فرهنگی و علمی نسبت به برخی از دولتهای همعصر برجستگی خاصی دارد؛ این مسئله، افزون بر آنکه مربوط به طولانی بودن دوران این حکومت نسبت به حکومت‌های عصر است (۷۱۸-۷۹۵ ه.ق)، به تلاشهای امیر مبارزالدین و فرزندش شاه شجاع و دیگر امیران مظفری و وزیران این خاندان برمیگردد. بعلاوه محل حکومت آنان، از فارس تا اصفهان و کرمان و یزد، بدلیل داشتن اوضاعی آرام در دو قرن هفتم و هشتم از غنیترین شهرها از لحاظ فرهنگی و علمی بود. این خاندان با تربیت عالمان و شاعران و حمایت از صوفیان، و نیز ساخت مراکز فرهنگی چون مدارس، خانقاه‌ها و مساجد تأثیر مثبتی بر روند ادبیات و فرهنگ و دانش و تصوف عصر خود داشته است و ازاینرو از دوره‌های مهم در تاریخ زبان و ادبیات فارسی بشمار میرود. بسیاری از شاعران این دوره به حمایت آنان درآمدند که نسبت به دیگر امرای محلی از نظر سیاسی پایدارتر بودند و از نظر فرهنگی، آمادگی بیشتری برای حمایت از شاعران داشتند و شاعران در آنجا فرصت مناسبی برای هنرنمایی و پدید آوردن آثار به نام آنها مییافتند. تقریباً همه افراد خاندان مظفر در ترویج علم و ادب عصر خود سهمی بسزا داشتند. با توجه به اینکه قسمت اعظم زندگی حافظ در زمان حکومت مظفری و بویژه شاه شجاع سپری شده است و شاه شجاع مخاطب اصلی اشعار حافظ بوده و حافظ بسیاری از غزلیات خود را در اشاره به او و اقدامات او سروده است، و هم از آنجاکه شاه شجاع مخاطبی اهل ذوق و علم و ادب بوده و با نگاهی تیزبینانه و نقادانه به اشعار حافظ و دیگر شاعران مینگریسته، بنظر میرسد چنین مخاطب فرهیخته‌ای نمیتوانسته در نوع شعر حافظ بی تأثیر بوده باشد.

حافظ بعنوان بزرگترین شاعر قرن هشتم و یکی از بزرگترین شاعران ایران، همیشه از منظرهای متفاوت مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. او تقریباً دو ثلث از دوره شاعری خود را در عهد شاه شجاع گذرانده است و بیش از یکصد بار با تعبیرات سلطان، خسرو، پادشاه، شهنشه، شاهنشاه، پادشه، شهریار، شاه، ملک، فرماندهی، شهریاری و دادگر، به شاه معاصری اشاره کرده است. تقریباً ۷۰ مورد از این موارد صریحاً یا با قرائن روشن راجع به شاه شجاع و سایر ملوک و شاهزادگان معاصر خواجه حافظ از قبیل شاه جلال‌الدین مسعود اینجو، شاه شیخ ابواسحاق اینجو،

امیرمبارزالدین محمد، شاه یحیی، شاه منصور، سلطان غیاث‌الدین محمد، سلطان اویس ایلکانی، سلطان احمد ایلکانی، تورانشاه‌بن قطب‌الدین تهمتن پادشاه جزیرهٔ هرمز و اتابک پادشاه لرستان است. تقریباً ۳۹ مورد از ۷۰ موردی که بصراحت یا با قرائن مؤکد راجع به ملوک معاصر است، به شاه شجاع اشاره دارد (بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، غنی، ج ۱: ۳۵۵). با این وصف، بنظر میرسد بررسی اشعار حافظ از منظری نو و با توجه به نوع مخاطبش که در سخنش مستقیماً تأثیرگذار بوده، لازم و ضروری باشد. برای این منظور و برای نشان دادن تأثیر شاه شجاع بر اشعار شاعران عصر و بویژه حافظ، ضمن معرفی شاه شجاع، به معرفی و بررسی دو غزل از شاه شجاع پرداختیم که حافظ آنها را در دو غزل خود استقبال کرده است.

بحث و بررسی

حکومت آل مظفر

این حکومت پس از انقراض اتابکان یزد در سال ۷۱۸ ه.ق توسط امیر مبارزالدین محمد شکل گرفت و جانشینان او بیش از هفتاد سال در یزد و کرمان و فارس و عراق حکومت کردند (جامع مفیدی، افشار، ج ۱: ص ۹۴). عماد فقیه، رکن‌الدین هراتی، صدرالدین عراقی و جمعی دیگر از شاعران با دربار او در ارتباط بودند. پس از او شاه شجاع (۷۸۶-۷۶۰ ه.ق) حکومت مظفریان را بدست گرفت و به تشویق فقها و زهاد، به تقویت اصول مذهب تسنن و تربیت علمای دین و بنای ابنیهٔ خیر پرداخت. او سرآمدترین پادشاه خاندان مظفر و از بزرگترین پادشاهان قرن هشتم در ایران است. به شعر و ادب و تربیت علما و شاعران علاقه داشته و بسیاری از آنان را در دربار خود گرد آورده بود؛ خود نیز شعر میسرود و دیوانی شامل اشعار فارسی و عربی از او در دست است. تربیت علمی او سبب آشنایی او با اشعار بزرگان ادب فارسی چون فردوسی و سعدی گشت. او اشعار این شاعران را در مناسبت‌های مختلف میخواند و در نامه‌هایش بکار می‌گرفت، گاه از آنها تضمین می‌کرد و حتی به سبک شاهنامه شعر میسرود. به نقد شعر نیز میپرداخت. علاوه بر اینها در ساخت مراکز فرهنگی و علمی چون مدارس، مساجد و خانقاه‌ها اهتمام میورزید. آثار بسیاری به نام او پدید آمد؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌کدام از شاهان مظفری شرح وقایع مستقل مانند آنچه برای شاه شجاع نوشته شده است ندارند (دیوان سرایندگان قدیم در دستنویس تازه‌ای از خلاصهٔ الاشعار، بشری: ص ۱۱۹) او مخاطب اصلی اشعار حافظ است.

پس از شاه شجاع حکومت آل مظفر به پسرش زین‌العابدین (۷۸۶-۷۸۹) رسید. سالهای حکومت او مصادف با لشکرکشی تیمور به ایران بود. بعد از او شاه یحیی (۷۸۹-۷۹۵) حکومت را بدست گرفت و سرانجام شاه منصور آخرین پادشاه مظفری به سلطنت رسید که در سال ۷۹۵ ه.ق توسط یکی از عمال تیمور کشته شد و با مرگ او این سلسله منقرض گشت (حافظ شیرین‌سخن، معین، ج ۱: ص ۲۲۸).

شاه شجاع (۷۶۰-۷۸۶ ه.ق): شاه شجاع اهل فضل بود و با تفسیر و حکمت و کلام نیز سروکار داشت. حافظهٔ خوبی داشت؛ در نه‌سالگی قرآن را حفظ کرد (حبیب‌السیر، ج ۳: ص ۲۹۴)، (روضه‌الصفاء، ج ۴: ص ۳۵۵۴) و (مواهب الاهی، ج ۱: ص ۱۰۰). به یک بار شنیدن، هفت هشت بیت عربی را به خاطر می‌سپرد (حبیب‌السیر، ج ۳: ص ۲۹۴) و (روضه‌الصفاء، ج ۴: ص ۳۵۵۴). به تحصیل علوم ادبی و اکتسابی عربی پرداخت (مواهب الاهی، ج ۱: ص ۱۰۰). پدرش امیر مبارزالدین محمد (م ۷۶۵) او را در هفت‌سالگی برای تعلیم قرآن به مولانا معین‌الدین یزدی (م ۷۸۹ ه.ق) سپرد و علاوه بر آن، در سال ۷۵۰ ه.ق خواجه قوام‌الدین محمد بن صاحب عیار (مقتول ۷۶۴ ه.ق) را که از رجال بزرگ و صاحب کفایت آن عهد بود، به وزارت و ملازمت و تربیت مخصوص شاه شجاع گماشت (بحث در آثار و

افکار و احوال حافظ، غنی، ج ۱: ص ۱۹۲). همچنین شاه شجاع را واداشت تا شرح مختصر ابن حاجب را که از تألیفات قاضی عضالدین ایجی (م ۷۶۵ ه.ق) بود، نزد این قاضی فراگیرد (فارسانمۀ ناصری، ج ۱: ص ۲۹۹) و (مطلع سعدین، ج ۱: ص ۲۵۹). شاه شجاع بعدها نیز در حوزه درس مولانا قوام‌الدین عبدالله بن محمود بن حسن شیرازی (م ۷۷۲ ه.ق) از فقیهان معروف دوره آل مظفر که «شرح اصول ابن حاجب» تصنیف خواجه عضالدین ایجی را مباحثه میکرد، حاضر میشد. خطی خوش داشت (مواهب الاهی، ج ۱: ص ۱۰۳) و کشف را به خط خود نوشته بود (از کوچه رندان، زرینکوب: ص ۱۱۶). شرح حماسه را به درس میگفت (منتخب التواریخ معینی: ص ۱۵۴). شعر میسرود و گاهی به نقد اشعار شاعران میپرداخت (تاریخ آل مظفر، ج ۱: ص ۱۸۵) و گاه اشعار شاعران دیگر را استقبال میکرد. از او دیوانی شامل اشعار عربی و فارسی برجاست که سعدالدین انسی آن جمع کرده و شخصی به نام عبدالحی از مردم شمال بین‌النهرین در سال ۸۳۲ ه.ق آن را استنساخ نموده است (بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، غنی، ج ۱: ص ۳۳۳) و (حافظ شیرین‌سخن، معین، ج ۱: ص ۲۱۰). ده‌نامه «روح العاشقین» نیز به وی منسوب است. همچنین مؤلفان احوال شاه شجاع رساله‌ای عربی در تعریف علم و در شرف علما به او نسبت داده‌اند (تذکره هزار مزار: صص ۴۷۳-۴۷۴) که اگر قابل قبول باشد، از میزان اطلاعات او حکایت میکند.^۱ علاوه بر اینها نامه‌هایی از شاه شجاع برجاست که معمولاً در حوادث، جنگها، قراردادهای و موافقت و صلح نوشته شده‌اند و افزون بر ارزش تاریخی، از لحاظ ادبی نیز مورد توجه است؛ چراکه در بعضی مواقع حاوی اشعاری از او و یا دیگر شاعران است که میزان اطلاعات ادبی او را نشان میدهد. به گفته کتبی در کتاب *تاریخ آل مظفر*، نظم و نثر تازی و فارسی و مکتوبات و رسائل او در طرف عراق شهرتی داشت «و علمای عصر و فضلالی دهر را در آن شروح است» (تاریخ آل مظفر: ص ۸۱-۸۲). با توجه به این موارد، بنظر میرسد چنین مخاطب فرهیخته‌ای بی‌شک نمیتوانسته در شعر حافظ و دیگر شاعران هم‌عصر خود بی‌تأثیر بوده باشد.

نویسندگان و شاعران دربار آل مظفر

با توجه به اهمیت علم و ادب برای حاکمان مظفری و نیز حمایتی که آنان از این افراد بعمل می‌آوردند، زمینه تألیف آثاری به دستور و یا به نام آنان نیز فراهم شد. از این جمله‌اند: علی‌بن‌الحسین بن علی معروف به علاء قزوینی الهلالی در سال ۷۷۹ ه.ق کتابی به نام «منهج الطالبین فی معارف الصادقین»^۲ در تاریخ و حکایات انبیا و ملوک، به نام شاه شجاع تألیف کرد و در آن به تاریخ آل مظفر و شاه شجاع نیز پرداخت. «مجموعه اشعار منتخبه به نام شاه شجاع»^۳ از مؤلفی ناشناخته و شامل اشعار شاعران تازی و فارسی است و برای شاه شجاع تألیف شده است. در این مجموعه تک‌بیت‌هایی برای استفاده در مشاعره نیز آمده است. کتاب «تعبیر سلطانی» را قاضی اسماعیل بن نظام‌الملک ابرقوهی در سال ۷۶۳ ه.ق به فارسی و به ترتیب الفبا، به نام شاه شجاع تألیف کرده است. مولانا مبارکشاه دانشمند قرن هشتم، کتاب «الادوار» اثر صفی‌الدین ارموی (۶۱۲-۶۹۳ ه.ق) موسیقی‌دان معروف قرن هفتم را برای شاه شجاع به عربی شرح کرد.

^۱. نسبت این رساله به شاه شجاع مورد تردید است.

^۲. این نسخه به شماره ف ۱۳۷ در دانشگاه تهران موجود است.

^۳. این نسخه به شماره ۵۱۲ در کتابخانه کاخ موزه گلستان موجود است.

مولانا معین‌الدین یزدی (م ۷۸۹ ه.ق) در سال ۷۵۷ ه.ق رساله «نزهة المسرور» را در تهنیت ازدواج شاه شجاع نوشت. کتاب «مواهب الاهی» را در تاریخ آل مظفر در سال ۷۶۶ ه.ق به نام شاه شجاع نگاشت و ترجمه‌ای به فارسی از کتاب «رشف النصایح الایمانیه و کشف الفضایح الیونانیه» در سال ۷۷۴ ه.ق برای شاه یحیی (م ۷۹۵ ه.ق) ترتیب داد.

میر سیدشریف جرجانی (۷۴۰-۸۲۶ ه.ق) از دانشمندان بزرگ قرن هشتم و صاحب آثار «حاشیه بر شرح رضی»، «شرحی به فارسی بر کافیة ابن حاجب»، «صرف میر» به فارسی، «حاشیه بر کتاب مطول»، «شرح بر مفتاح‌العلوم» و «حاشیه بر کشف»، «رساله تعریفات العلوم» و «شرح مواقف» قاضی عضدالدین ایجی، به دستور شاه شجاع در مدرسه دارالشفا^۱ شیراز به تدریس پرداخت (تاریخ الفی، ج ۷: ص ۴۷۲۵).

سراج‌الدین عمر بن عبدالرحمن فارسی قزوینی (م ۷۴۵) نیز از دانشمندان بزرگ قرن هشتم است. او مؤلف حاشه‌ای است بر کشف زمخشری به اسم «کشف الکشاف» که اختصاراً «کشف» نیز گفته میشود (حافظ شیرین‌سخن، معین، ج ۱: ص ۲۸۷).

از جمله شاعران مرتبط با دربار مظفریان نیز میتوان به این موارد اشاره کرد:

حافظ بزرگترین شاعر قرن هشتم پس از استقرار امیر مبارزالدین در فارس از آنجاکه او را قاتل دوست و حامی محبوب خود شاه شیخ ابواسحاق اینجو میدانست، از دربار او روی گرداند و بدلیل تعصبات سختگیرانه مذهبی، او را محتسب خواند؛ اما با شاه شجاع روابط نزدیک داشت. عبید زاکانی دیگر شاعر بزرگ این عصر و مداح خاندان اینجو نیز بعد از مشاهدۀ وضعیتی که برای شاه شیخ بوجود آمد، نسبت به امیر مبارز اظهار انزجار نمود و فارس را ترک کرد و مدتی را در بغداد گذراند؛ اما در دوره شاه شجاع مجدداً به فارس بازگشت و به دربار او روی آورد و به مدح او پرداخت. عماد فقیه کرمانی نیز از شاعران مرتبط با دربار مظفریان بوده است. او مثنوی «طریقت‌نامه» را به نام امیر مبارز ترتیب داد. «محبت‌نامه» را به نام تاج‌الدین عراقی، وزیر امیر مبارز درآورد. «صفنامه» را به نام شاه شجاع نوشت. «ده‌نامه» ای نیز نوشت که شامل نامه‌هایی به شاه شجاع و دیگر مشایخ و علما است.

خواجوی کرمانی که از شاعران دربار آل اینجو بود، بعد از تسلط امیر مبارز بر فارس او را نیز مدح گفته است. وزیر او خواجه تاج‌الدین احمد بن محمد عراقی نیز از ممدوحان خواجه است و اشعار خواجه به دستور این وزیر جمع‌آوری و تدوین شد. خواجه مثنوی «گوهرنامه» را به نام امیر مبارزالدین و خواجه بهاء‌الدین محمود یزدی از وزرای این خاندان سرود. «روضه الانوار» را به نام خواجه شمس‌الدین محمد صاین، وزیر امیر مبارزالدین و شاه شیخ ابواسحاق، ترتیب داد. «مفاتیح‌القلوب» را که منتخبی از اشعارش است، و نیز رساله «سبع المثنائی» را در مناظره شمشیر و قلم به نام امیر مبارز نوشت.

رکن صاین از دیگر شاعران دربار مظفریان است که پس از برچیده شدن حکومت آل اینجو، تا آخر عمر ملازم دربار امیر مبارزالدین و شاه شجاع بود. سلمان ساوجی شاعر دربار ایلکانیان پس از تسلط شاه شجاع بر تبریز او را مدح گفت. مولانا جلال‌الدین احمد بن یوسف طبیب خوافی از پزشکان و شاعران دربار شاه شجاع بود. روح عطار از شاعران قرن هشتم و مداح خواجه قوام‌الدین صاحب عیار (م ۷۶۴ ه.ق) وزیر شاه شجاع بود. بهاء‌الدین ساوجی مداح خواجه تاج‌الدین احمد بن محمد بن علی عراقی وزیر امیر مبارز بود. شرف‌الدین رامی (م ۷۹۵) ملک‌الشعرای دربار شاه منصور (مقتول ۷۹۵ ه.ق) آخرین پادشاه مظفری بود. عمادالدین عرب شاه یزدی از دانشمندان و شاعران قرن هشتم و معاصر با شاه یحیی و مداح او بود و منظومه «مونس العشاق» را در سال ۷۸۱ ه.ق به نام او سرود.

^۱ . این مدرسه را شاه شجاع تأسیس نمود.

حافظ و شاه شجاع: حافظ با شاه شجاع بدلیل سلطنت طولانی‌ش بر فارس و علاقه‌اش به شعر و ادب و داشتن قریحه شاعری، دوستی داشت و با دربارش در ارتباط بود و در غزلهایی به ستایش او پرداخت. اشعاری در اشاره به اقدامات و نبردها و پیروزیها و شکستهای او سرود. در واقع محرک واقعی دوستی بین شاه شجاع و حافظ بیشتر علاقه‌ای بود که شاه شجاع به شعر و ادب داشت و از شعر لذت میبرد و با اشعار فارسی و عربی مأنوس بود. غزلها و قطعه‌هایی از او باقی است که نشان میدهد او شعر را یک تفنن ساده نمیشمرده است (از کوچه زندان، زرینکوب: ص ۱۲۲). حافظ بیشتر دوره شاعری خود را در عهد این پادشاه گذرانده است و در غزلهای بسیاری به شاه شجاع و اقداماتش اشاره دارد. در ضمن قصیده نونی^۱ حافظ نیز در مدح همین پادشاه سروده شده است. به تعدادی از غزلهای حافظ که راجع به شاه شجاع است، اشاره میشود (مطلع غزلها ذکر میگردد):

به ملازمان سلطان که رساند این دعا را / که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را (دیوان حافظ: ص ۹۹)

ساقیا آمدن عید مبارک باد / وان مواعید که کردی مرواد از یادت (همان: ص ۱۰۵)

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است / یارب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است (همان: ص ۱۱۱)

رواق منظر چشم من آشیانه توست / کرم نما و فرود آ که خانه خانه توست (همان: ص ۱۱۳)

دیربست که دلدار پیامی نفرستاد / ننوشت سلامی و کلامی نفرستاد (همان: ص ۱۵۰)

نسیم باد صبا دوشم آگهی آورد / که روز محنت و غم رو به کوتاهی آورد (همان: ص ۱۷۳)

دلم جز مهر مهرویان طریقی برنمیگیرد / ز هر در میدهم پندش ولیکن درنمیگیرد (همان: ص ۱۷۴)

به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد / ترا درین سخن انکار کار ما نرسد (همان: ص ۱۷۹)

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد / دل رمیده ما را انیس و مونس شد (همان: ص ۱۸۴)

سحرم دولت بیدار به بالین آمد / گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد (همان: ص ۱۸۹)

نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند / نه هر که آینه سازد سکندری داند (همان: ص ۱۸۹)

دیدم به خواب خوش که به دستم پیاله بود / تعبیر رفت و کار به دولت حواله بود (همان: ص ۲۰۸)

زهی خجسته زمانی که یار باز آید / به کام غمزدگان غمگسار باز آید (همان: ص ۲۳۱)

اگر آن طایر قدسی ز درم باز آید / عمر بگذشته به پیرانه سرم باز آید (همان: ص ۲۳۱)

هزار شکر که دیدم به کام خویشت باز / ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز (همان: ص ۲۳۲)

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس / بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس (همان: ص ۲۳۵)

سحر ز هاتف غییم رسید مژده به گوش / که دور شاه شجاع است، می دلیر بنوش (همان: ص ۲۴۳)

هاتفی از گوشه میخانه دوش / گفت ببخشند گنه می بنوش (همان: ص ۲۴۴)

در عهد پادشاه خطابخش جرمپوش / حافظ قرابه کش شد و مفتی پیاله‌نوش (همان: ص ۲۴۵)

قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع / که نیست با کسم از بهر مال و جاه نزاع (همان: ص ۲۵۰)

بامدادان که خلوتگه کاخ ابداع / شمع خاور فکند بر همه اطراف شعاع (همان: ص ۲۵۰)

خوشخبر باشی ای نسیم شمال / که به ما میرسد زمان وصال (همان: ص ۲۵۵)

ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل / سلسبیل کرده جان و دل سبیل (همان: ص ۲۵۸)

^۱. به مطلع:

از پرتو سعادت شاه جهانستان

شد عرصه زمین جو بساط ارم جوان

شد عرصه زمین چو بساط ارم جوان / از پرتو سعادت شاه جهانستان (همان: ص ۲۸۶)
 یارب آن آهوی مشکین به ختن بازرسان / و آن سهی سرو خرامان به چمن بازرسان (همان: ص ۳۰۳)
 ای قبابی پادشاهی راست بر بالای تو / زینت تاج و نگین از گوهر والای تو (همان: ص ۳۱۷)
 سلام الله ما کرّ الیالی / و جاوبت المثنائی و المثالی (همان: ص ۳۵۰)
 ات روائع رند الحمی و زاد غرامی / فدای خاک در دوست باد جان گرامی (همان: ص ۳۵۴)
 علاوه بر این اشعار، حافظ ابرو که در سال ۸۲۰ ه.ق جغرافیای تاریخی خود را برای امر شاهرخ‌بن تیمور نوشته است، در بحث از شاه شجاع میگوید: «مولانا شمس‌الدین حافظ شیرازی در تاریخ وفات شاه شجاع گفته است: رحمن لایموت چو آن پادشاه را / دید آنچنان کزو عمل خیر لایفوت موتش قرین رحمت خود کرد تا بود / تاریخ این معامله «رحمن لایموت» (جغرافیای تاریخی، حافظ ابرو، ج ۲: ص ۲۶۳).

تضمین و تأثیر شاه شجاع از اشعار شاعران

اشعار بجای‌مانده از شاه شجاع به نسبت زیاد و قابل توجه است؛ او به فارسی و عربی شعر میسرود.^۱ و با اشعار سعدی و فردوسی آشنا بود و آنها را در نامه‌های خود بکار میبرد. در حماسه‌سرایی از فردوسی تقلید و تضمین میکرد. شاه شجاع در مکتوبی که در جواب نامه سلطان حسین‌بن اویس ایلکانی نوشته، یک مصراع از خواجه حافظ را به استشهد آورده و آن این است: «کس چه داند که پس پرده که خو بست و که زشت»^۲ (فرائد غیائی، ج ۱: صص ۴۲-۴۴) و (حبیب‌السیر، ج ۳: صص ۳۱۰-۳۱۱). چنانکه گفته شد شاه شجاع با شاهنامه نیز آشنا بوده و اشعار او بخوبی منعکس‌کننده این امر است. او بارها و بارها در نامه‌هایش از شاهنامه استفاده کرده است و به شیوه فردوسی نیز شعر سروده است:

رسانیده بر دوده خود گزند	به محمود بنویس کای ارجمند
مرا و تو را تیغ برهم زدن	نه محمود بینم به جنگ آمدن
که گر زانکه ما هر دو باشیم یار	تصور کن ای نامور شهریار
چو آگه شود از کمابیش ما	که یارد کشیدن سپه پیش ما
مگر با سر خویش بازی کند	اویس ار به ما ترک‌تازی کند
نگر تا چه گوید در اینجا سخن	ز فردوسی پاک‌دین یاد کن

^۱ . در هر دو زبان، بلکه به زبان ترکی هم، شعر خوب میگفت (تاریخ الفی، ج ۴: ص ۴۷۵۸)

^۱ دیوان حافظ: ص ۱۳۶

^۲ این نامه را شاه شجاع در سال ۷۶۵ به شاه محمود نوشت و او را از عاقبت وخیم التجا به سلطان اویس برحذر داشت.

که گر دو برادر به هم داد پشت تن کوه را باد ماند به مشیت^۱

(جغرافیای تاریخی، سجادی، ج ۲: ص ۲۳۳)

او به سعدی نیز علاقه داشت و به درخواست او پدرش -امیر مبارزالدین- از سوزاندن صندوق قبر این شاعر بزرگ درگذشت (منتخب‌التواریخ معینی: ص ۱۸۵). شاه شجاع وقتی خبر درگذشت برادرش شاه محمود را شنید، در شیراز بود و به گفته غالب مورخان در آن هنگام، این ابیات شیخ سعدی را خواند:

بسیار سالها به سر خاک ما رود کین آب چشمه آید و باد صبا رود

این پنج روز مهلت ایام آدمی بر خاک دیگران به تکبر چرا رود

دامنکشان همی روی امروز در زمین فردا غبار غالبیت اندر هوا رود

ای دوست بر جنازه دشمن چو بگذری شادی مکن که بر تو همین ماجرا رود

(بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، غنی، ج ۱: ص ۲۹۰)

اشاره به شاه شجاع و تأثیر او در شعر شاعران

عماد فقیه که شاه شجاع را «قرّة العین چشم سلاطین جهان»^۲ میخواند، در قصیده‌ای به هنر نویسندگی این پادشاه اشاره میکند^۳:

مهر کند نیابتت، ترک فلک حجابت میفتد از کتابت کلک عطارد از بیان

(دیوان عماد فقیه: ۳۳۹)

حافظ در در قصیده نونیّه خود که در مدح شاه شجاع سروده است، به علم و فضل او اشاره میکند:

هر دانشی که در دل دفتر نیامده است دارد چو آب خامه تو بر سر زبان...

بر چرخ علم ماهی و بر فرق ملک تاج شرع از تو در حمایت و دین از تو در امان

علم از تو در حمایت و عقل از تو باشکوه در چشم فضل نوری و در جسم ملک جان

(دیوان حافظ: ص ۸۶)

سلمان ساوجی علاوه بر مدح شاه شجاع، در ابیاتی اشاره به علم او دارد:

شه‌نشاہ قدر قدرت شجاع آن عالم عادل که عدلش بر جهان دارد حقوق منت جانی

(دیوان سلمان ساوجی: ص ۶۱۰)

۱. کلیات سعدی: ص ۵۵۲

۲. قرّة العین سلاطین جهان شاه شجاع/ خسرو عادل لشکرشکن صفدر ما (دیوان عماد فقیه: ص ۱۱)

۳. به مطلع:

ای که قبای سلطنت بر قد توست در جهان سکه به نام خود بزن خطبه ب نام خود بخوان

۳. قصیده به مطلع:

زهی دولت کز اقبال همایون چتر سلطانی همایون فال شد بومی که بودش رو به ویرانی

و نیز

ز باب فضل تو فصلی بود در نسخه حکمت
که خواند اسکندر آن حکمت بر افلاطون یونانی
(همان: ص ۶۱۱)

و نیز

عقود گوهر نظم کنون وزن بها یابد
که بازار فضیلت را کند فضل تو میزانی
(همانجا)

عبید زاکانی نیز در قصیده‌ای به فضل و علم و هنر اشاره شاه شجاع دارد^۱:
بر آشیانه او عقل و روح جسته مقام
بر آستانه او فتح و نصر گشته مقیم
(کلیات عبید زاکانی: ص ۷۱)

همچنین به هنر خطاطی شاه شجاع اشاره میکند:

صریر کلکش چون ابر بر جهان فایض
ضمیر پاکش بر خلق چون خدای کریم
هرچندکه این ابیات نمیتواند از اغراق شاعرانه خالی باشد، بیانگر این نکته است که شاه شجاع در علم و فضل
دستی داشته است و مخاطبی عادی بشمار نمیرفته و شعر آنها را درک میکرده است. همین نکته و درک او از
اشعار شاعران، در نوع اشعار آنها تأثیرگذار بوده است. شاه شجاع بعنوان مخاطبی آگاه و اهل ذوق، به اشعار شاعران
تیزبینانه مینگریسته است؛ چنانکه هنگامی که پس از شکست دادن سلطان حسین ایلکانی (۷۷۶-۷۸۴ ه.ق) در
سال ۷۷۶ ه.ق وارد تبریز شد، سلمان ساوجی که در آن موقع در تبریز میزیست، در مدحش قصیده‌ای گفت که
مطلع آن این است:

زهی دولت کز اقبال همایون چتر سلطانی
همایون فال شد بومی که بودش رو به ویرانی
(دیوان سلمان ساوجی: ص ۶۱۰)
شاه شجاع این قصیده و مخصوصاً مطلع آن را نپسندید. بنابراین سلمان قصیده دیگری گفت که مطلع آن اینست:
سخن ز وصف رخسار چون ز خاطر سر زرد
ز مطلع سخنم آفتاب سر برزد

(همان: ص ۴۷۵)

و چون شاه شجاع این قصیده را دید تحسین نمود (حبیب السیر، ج ۳: ص ۳۱۲) و (روضه الصفا، ج ۴: ص ۳۵۳).
تأثیر شاعران از شاه شجاع و نظراتش به همینجا ختم نمیشد و گاه شاعران اشعار او را تضمین میکردند. چنانکه
سیدعزالدین مطهر در قصیده‌ای ۶۴ بیتی به مطلع: «حذر کن ای دل از آسیب روزگار حذر/ که چرخ شعیده باز
است و دهر حیل‌گر» که در مدح شاه شجاع سرود، به رسم تضمین این پنج بیت از شاه شجاع را نیز بکار برد:
فرار قاف قناعت بگسترانم پر
که جز نشیمن سیمرغ نیستم درخور

همای همت خود را ز بهر مرداری
بکرکسان زمانه چرا کنم همسر

^۱. به مطلع:

خجسته بارگاه پادشاه هفت اقلیم
مقر جاه و جلال و جای ناز و نعیم
^۱. و گفت: «ما آوازه سه کس از مشاهیر تبریز شنیده بودیم مختلف احوال یافتیم سلمان زیاده بود، یوسف شاه مساوی و خواجه شیخ
متناقض» (حبیب السیر، ج ۳: ص ۳۱۲) و (روضه الصفا، ج ۴: ص ۳۵۳).

درون کشور عزلت چو تختگاه من است کلاه عزت باقی مرا بود افسر

بلاد مشرق و مغرب بدست آمده گیر همان بریم ز دنیا که برد اسکندر

به یک توجه مردانه میرسم جایی که مرغ و هم در آنجا بیفکند شهر

(تاریخ آل مظفر: ص ۸۲)

تأثیر حافظ از شاه شجاع

از آنجاکه حافظ سالهای زیادی از عمر شاعری خود را در زمان شاه شجاع گذرانده و با او روابط نزدیکی داشته است، و هم از آن رو که اشعار بسیاری در ستایش و یا در اشاره به اقدامات او دارد، بررسی دقیقتر اشعار این پادشاه بعنوان مخاطب اشعار حافظ و نقشی که در سرودن اشعار او داشته، حایز اهمیت است. این امر بویژه وقتی بیشتر اهمیت مییابد که بدانیم برخی غزلهای حافظ در استقبال از اشعار این پادشاه سروده شده است. شاه شجاع اشعار حافظ را میخواند و گاه آنها را نقد میکرد. چنانکه داستان زیر بخوبی این امر را نشان میدهد:

«گویند که روزی شاه شجاع به زبان اعتراض خواجه حافظ را مخاطب ساخته گفت: هیچیک از غزلیات شما از مطلع تا مقطع بر یک منوال واقع نشده بلکه از هر غزلی سه چهار بیت در تصوف و یک دو بیت در صفت محبوب، و تلون در یک غزل خلاف طریقت بلغاست. خواجه حافظ فرمود آنچه بر زبان مبارک شاه میگذرد در عین صدق و محض صواب است اما مع ذلک شعر حافظ در آفاق اشتها یافت و نظم دیگر حریفان پای از دروازه شیراز بیرون نمینهند» (حبیب السیر، ج ۳: ص ۳۱۵). این داستان شاید مبنای تاریخی نداشته باشد، اما بخوبی امکان مورد توجه بودن حافظ و اشعارش را از جانب شاه شجاع از دیرباز نشان میدهد.

از شاه شجاع تا کنون سیزده غزل بدست آمده است. برای آشنایی با سبک شاه شجاع در غزلیاتش و برای نشان دادن تأثیر او بر غزل حافظ، به بررسی دو غزل از او میپردازیم که مورد استقبال حافظ قرار گرفته است: غزل شماره یک:

چه شد جانا بدین گرمی که سوزم در نمیگیرد مگر فریاد مهجوران ترا در سر نمیگیرد

فروغ آتش رویت همی سوزد جهان جان عجب دانم که سوز ما در آن کشور نمیگیرد

مرا دردی است لندر دل که درمان بر نمیتابد ترا نازی است لندر سر که عالم بر نمیگیرد

(بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، زمانی علویجه: ص ۱۳۹)

این غزل بر وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن و در بحر هزج مثنی سالم سروده شده است. زبان شعری در این غزل ساده و روان و تأثیرگذار است. لغات دشوار و مهجور در آن بچشم نمیخورد. استفاده از ردیف بر آهنگینی غزل افزوده است. برجسته‌ترین آرایه بکاررفته در آن تشبیه است که البته در آن تازگی وجود ندارد. از نظر آرایه‌های ادبی میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

«آتش روی» و «جهان جان» در بیت دوم تشبیه بلیغ ایجاد کرده است. در بیت اول بین «گرمی» و «سوز» و در بیت دوم بین کلمات «فروغ»، «آتش»، «سوزد» و «سوز» مراعات نظیر وجود دارد. در بیت سوم بین «درد» و «درمان» آرایه تضاد وجود دارد.

غزل زیر از حافظ با همین وزن و قافیه، در استقبال از غزل شاه شجاع و در مدح او سروده شده است:

دلم جز مهر مهرویان طریقی برنمیگیرد خدا را ای نصیحتگو حدیث ساغر و می گو بیا ای ساقی گلرخ بیاور ساغر رنگین صراحی میکشم پنهان و مردم دفتر انگارند من این دلق مرقع را بخواهم سوختن روزی از آنرو هست یاران را صفاها با می لعلش سر و چشمی چنین دلکش تو گویی چشم ازو بردوز	ز هر در میدهم پندش ولیکن درنمیگیرد که نقشی در خیال ما ازین خوشتر نمیگیرد که فکری در درون ما ازین خوشتر نمیگیرد عجب گر آتش این زرق در دفتر نمیگیرد که پیر می‌فروشانش به جامی برنمیگیرد که غیر از راستی نقشی در آن جوهر نمیگیرد برو کاین وعظ بی‌معنی مرا در سر نمیگیرد
--	---

نصیحت‌گوی رندان را که با حکم قضا جنگ است میان‌گریه می‌خندم که چون شمع لندین مجلس چه خوش صید دلم کردی بنام چشم مست را سخن در احتیاج ما و استغنائی معشوق است من آن آینه را روزی بدست آرم سکندروار خدا را رحمی ای منعم که درویش سر کویت بدین شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم	دلش بس تنگ میبینم مگر ساغر نمیگیرد زبان آتشینم هست لیکن درنمیگیرد که کس مرغان وحشی را ازین خوشتر نمیگیرد چه سود افسونگری ای دل که در دلبر نمیگیرد اگر میگیرد این آتش زمانی ور نمیگیرد دری دیگر نمیداند رهی دیگر نمیگیرد که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمیگیرد
--	---

(دیوان حافظ: ص ۱۷۴)

از نظر ادبی شعر حافظ بسیار پربارتر و دارای آرایه‌های ادبی متنوع است:

در بیت یک «درنگرفتن» کنایه از اثر نکردن است. در بیت دو بین «ساغر» و «می»، در بیت سه بین «ساقی» و «ساغر»، در بیت پنج بین «می‌فروش» و «جام»، در بیت هفت بین «سر» و «چشم»، در بیت نه بین «شمع»، «مجلس»، «آتش» و «زبان» و در بیت سیزده بین «کوی»، «در» و «راه» آرایه مراعات نظیر وجود دارد. در بیت سه در «گلرخ» تشبیه بلیغ وجود دارد. در بیت شش «می لعل» به «جوهر» تشبیه شده است. در بیت نه نیز شاعر خود را در داشتن زبان آتشین به شمع مانند کرده است. در بیت هشت بین «تنگ» و «جنگ» جناس ناقص وجود دارد. در بیت نه «زبان آتشین» آرایه استخدام ایجاد کرده است. زبان آتشین شمع، شعله آن و زبان آتشین شاعر، سخن تأثیرگذار اوست. در بیت نه «در میان گریه خندیدن» پارادوکس دارد. در بیت یازده بین «احتیاج» و «استغنا» و در بیت سیزده بین «منعم» و «درویش» آرایه تضاد وجود دارد. بیت دوازده تلمیح دارد به آینه اسکندر. در بیت چهارده «شعر تر شیرین» آرایه حس‌آمیزی ایجاد کرده است.

غزل شماره دو:

شیوه عشاق نباشد خروش ور به مثل خون دل آید بجوش	بلبل ازان خار جفا می‌خورد کو بگلستان نشیند خموش
---	--

ای دل سرگشته سر سرّ بپوش	پیرهن صبر قبا کرد هجر
زهر هلاهل بودش همچو نوش	هرکه چو من شربت دردی چشید
زان سخنم صبر برفتست و هوش	تازه حدیثی بشنودم ز عشق
پند خردمند نگیری به گوش	کای به غم دوست چنان مبتلا
سر که فدا نیست مبادش بدوش	دل که اسیرست مبادش خلاص

(خلاصه اشعار و زبده الافکار: ص ۳۷۹)

این غزل در وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» و در بحر سریع مطوی مکشوف سروده شده است. غزلی است عاشقانه با درونمایه هجر و دوری از معشوق. از نظر آرایه‌های ادبی به این موارد میتوان اشاره کرد: در بیت دو «خار جفا»، در بیت چهار «شربت درد» تشبیه بلیغ دارد. در بیت چهار زهر هلاهل به نوش تشبیه شده است. در بیت دو بین کلمات «بلبل»، «خار» و «گلستان»، در بیت چهار بین کلمات «شربت»، «چشید» و «نوش» و در بیت هفت بین کلمات «دل»، «سر» و «دوش» مراعات نظیر وجود دارد. در بیت سه «پیرهن صبر قبا کردن» کنایه از ازین رفتن صبر است. در بیت دو بین «خار» و «گلستان» و در بیت هفت بین «اسیر» و «خلاص» تضاد وجود دارد. در بیت سه «پیرهن صبر» استعاره مکنیه دارد. در بیت پنج «از عشق حدیث شنودن» تشخیص دارد. غزل زیر از حافظ نیز در همین وزن و قافیه و در استقبال از همین غزل شاه شجاع و در مدح هم او سروده شده است:

هاتفی از گوشه میخانه دوش	گفت ببخشند گنه می بنوش
لطف الهی بکند کار خویش	مژده رحمت برساند سروش
این خرد خام به میخانه بر	تا می لعل آوردش خون به جوش
گرچه وصلش نه به کوشش دهند	هرقدر ای دل که توانی بکوش
لطف خدا بیشتر از جرم ماست	نکته سر بسته چه دانی خموش
گوش من و حلقه گیسوی یار	روی من و خاک در میفروش
رندی حافظ نه گناهی است صعب	با کرم پادشه عیبپوش
داور دین شاه شجاع آنکه کرد	روح قدس حلقه امزش به گوش
ای ملک‌العرش مرادش بده	وز خطر چشم بدش دار گوش

(دیوان حافظ: ص ۲۴۴)

غزل حافظ برخلاف غزل شاه شجاع، درونمایه عرفانی دارد. آرایه ادبی چندانی در آن بکار نرفته است. در بیت هشت، حلقه امر: تشبیه بلیغ دارد. حلقه امر کسی را به گوش کردن: کنایه از اطاعت کردن است. آرایه اغراق نیز در آن وجود دارد.

نتیجه‌گیری

شاه شجاع مخاطب اصلی اشعار حافظ بود و حافظ غزل‌های بسیاری را در مدح یا در اشاره به اقدامات و نبردها و شکست‌ها و پیروزی‌های او سروده است. شاه شجاع بعنوان یک مخاطب فرهیخته - که با اشعار بزرگان ادب فارسی آشنا بوده - درک بالایی از اشعار حافظ داشته است و همین نکته در نوع اشعار حافظ تأثیرگذار بوده است. علاوه بر اینها، حافظ خود تحت تأثیر اشعار شاه شجاع، اشعاری را سروده و از او استقبال کرده است. درک شاه شجاع از اشعار حافظ سبب ایجاد روابط دوستانه بین این دو شده بود. شاه شجاع علاوه بر آنکه مخاطب اشعار حافظ بوده، گاه به نقد اشعار او نیز پرداخته است. او حتی در نامه‌ای که به برادر خود محمود نوشته، مصرعی از حافظ را آورده است که این نکته آشنایی شاه شجاع با اشعار این شاعر بزرگ و علاقه به آن را آشکار میکند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی استخراج شده است. آقای دکتر محمود عابدی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم زخرف خانی سمسکنده به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- A collection of selected poems called The Shah shoja'. Golestan Museum Palace Library. No ۵۱۲.
- Bashari, J. (۲۰۰۹). The Court of Ancient Poets in A new manuscript of the Kholasa Al Ashar. *Ayene pazhohesh*, ۱۲۰, P. ۱۱۹.
- Emad Faghih, A. (۲۰۰۱). Divan, Kerman: Association of National Works and Honors of Kerman Province, PP ۱۱ and ۳۳۹.
- Fasa'ee, M. (۲۰۰۳). *Farsnameh Naseri*. Tehran: Amirkabir, ۷۱, P. ۲۹۹.
- Ghani, G. (۱۹۴۳). Discussion on Hafez's life, thoughts and works. Tehran: Bank Melli Iran, PP. ۱۹۲, ۲۹۰, ۳۳۳ and ۳۵۵.

- Hafez Abrou, A. (۱۹۹۶). Historical geography. Tehran: Mirase maktoob, V ۲, pp. ۲۳۳ and ۲۶۳.
- Jorbozedar, A. (۱۹۸۸). Divan of Hafez, Qazvini & Ghani. Tehran: Asatir.
- Khande mir, G. (۲۰۱۱). Habib al seyar. Tehran: Kayyam, V ۳, PP. ۲۹۴ and ۳۱۰-۳۱۵.
- Kholasa Al Ashar Zobda al ashar. Cheshmeh Rahmat India Library. No ۸۴.
- Kotbi, M. (۱۹۸۵). History of Mozaffar dynasty. Tehran: Amirkabir, PP. ۸۱ and ۸۲.
- Menhaj al talebin fi maaref al sadeghin. Tehran university. NO ۱۳۷.
- Mirkhand, M. (۲۰۰۱). Roza al safa history. Tehran: Asatir, V ۴, PP. ۳۵۳۳ and ۳۵۵۴, V ۶, P. ۱۵۵.
- Mo'ein, M. (۱۹۹۱). Sweet talk Hafez. Tehran: Mo'ein, V۱, PP. ۱۷۲, ۲۱۰, ۲۲۸ and ۲۸۷.
- Mofid Mostowfi, M. (۲۰۰۶). Mofidi Comprehensive. Tehran: Asatir. V ۱, P. ۹۴.
- Natanzi, M. (۲۰۱۴). Montakhab ah tavarikh Moeeni. Tehran: Asatir. V۱, PP. ۱۵۴ and ۱۸۵.
- Roemer, R, H. (۲۰۰۱). Iran on the way to a new era. Tehran: Tehran university, P. ۴۷.
- Sa'adi, M. (۲۰۰۶). General, Tehran: Rozane, P. ۵۵۲.
- Safa, Z. (۱۹۹۹). History of literature, Tehran: Ferdows, P. ۴۷.
- Salman Savaji, (۱۹۵۷). Divan, Tehran: Safi Ali Shah, PP. ۴۷۵ and ۶۱۰.
- Salman Savaji, S. (۲۰۱۰). General, Tehran: Sokhan.
- Samarghandi, K. (۱۹۷۴). Matla al saadein Majma al bahrein. Tehran: Tahoori, V۱, P. ۲۵۹.
- Shirazi, E. (۱۹۸۵). Tazkereh Hezar Mazar. Shiraz: Ahmadi Library. PP. ۴۷۳ and ۴۷۴.
- Sotodeh, H. (۲۰۰۶). History of Mozaffar dynasty. Tehran: Tehran university, p. ۱۸۵.
- Tajuddin vazir, A. (۲۰۰۲). Bayad Tajuddin Ahmad vazir. Ghom: Islamic Reserves Association, P. ۱۳۹.
- Tatavi, A. (۲۰۰۹). Elfi history. Tehran: Scientific and cultural, PP. ۴۷۲۵ and ۴۷۵۸.
- Yazdi, M. (۱۹۴۷). Mavaheb Elahi in the history of Muzaffar dynasty. Tehran: Eghbal, V۱, PP. ۱۰۰ and ۱۰۳.
- Yuosef Ahl, J. (۱۹۷۷). Fara'ed Ghiasi. Tehran: Iranian Culture Foundation, V۱, PP. ۴۲-۴۴.
- Zakani, O. (۲۰۱۱). General Obeid Zakani. Tehran: Shahrzad, P. ۷۱.
- Zarrinkob, A. (۱۹۸۸). From Rendani Ally, Tehran: Amirkabir, PP. ۱۱۶ and ۱۲۲.

فهرست منابع فارسی

- از کوچه رندان. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷) تهران: امیرکبیر.
- ایران در راه عصر جدید. تاریخ ایران از ۱۳۵۰ تا ۱۷۵۰. روبرت رویمر، هانس، (۱۳۸۰)، ترجمه آذر آهنجی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بحث در آثار و افکار و احوال حافظ. غنی، قاسم (۱۳۲۲) تهران: بانک ملی ایران.
- بیاض تاج‌الدین احمد وزیر. تاج‌الدین وزیر، احمدین محمد، (۱۳۸۱) محقق علی زمانی علویجه، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- تاریخ ادبیات در ایران. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲) تهران: فردوس.

- تاریخ الفی. تتوی، احمدبن نصرالله، قزوینی، آصف‌خان، (۱۳۸۲) مصحح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی.
- تاریخ آل مظفر. ستوده، حسینقلی (۱۳۸۵) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تاریخ آل مظفر. کتبی، محمود، (۱۳۶۴) به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء. میرخواند، محمدبن خاوندشاه، (۱۳۸۰) مصحح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- تذکره هزار مزار، ترجمه شد الازار (مزارات شیراز). شیرازی، عیسی‌بن جنید (۱۳۶۴) تصحیح نورانی وصال، شیراز: کتابخانه احمدی.
- جامع مفیدی. مفید مستوفی، محمد (۱۳۸۵) به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- جغرافیای تاریخی. حافظ ابرو، عبدالله‌بن لطف‌الله (۱۳۷۵) محقق صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.
- حافظ شیرین‌سخن. معین، محمد (۱۳۷۰) به کوشش مهدخت معین، تهران: معین.
- حبیب السیر. خواندمیر، غیاث‌الدین‌بن همام‌الدین (۱۳۸۰) زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- خلاصه الاشعار و زبدة الافکار، کتابخانه چشمه رحمت هندوستان، شماره ۸۴. لوح فشرده موجود در مجمع ذخایر اسلامی.
- دیوان حافظ (۱۳۶۶) به تصحیح قاسم غنی و محمد قزوینی، تهران: اساطیر.
- دیوان سرایندگان قدیم در دستنویس تازه‌ای از خلاصه‌الاشعار. بشری، جواد (۱۳۸۸)، آیینة پژوهش، شماره ۱۲۰، ص ۱۱۹.
- دیوان، ساوجی، سلمان‌بن محمد (۱۳۳۶) به اهتمام منصور مشفق، تهران: صفی‌علیشاه.
- دیوان، عماد فقیه، علی‌بن محمود (۱۳۸۰) تصحیح یحیی طالبیان و محمود مدبری، کرمان: انجمن آثار و مفاخر ملی استان کرمان.
- فارسنامه ناصری. فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲) تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- فراید غیائی. یوسف اهل، جلال‌الدین، ۲۵۳۶، به کوشش حشمت مؤید، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کلیات. زاکانی، عبید (۱۳۹۰) تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: شهرزاد.
- کلیات. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵) به کوشش مظاهر مصفا، تهران: روزنه.
- کلیات، ساوجی، سلمان‌بن محمد (۱۳۸۹) تصحیح عباسعلی وفایی، تهران: سخن.
- مجموعه اشعار منتخبه به نام شاه شجاع، شماره ۵۱۲، کتابخانه کاخ‌موزه گلستان.
- مطلع سعدین و مجمع بحرین. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۵۳) به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: طهوری.
- منتخب‌التواریخ معینی. نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳) به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر.
- منهج الطالبین فی معارف الصادقین، شماره ف ۱۳۷ دانشگاه تهران.
- مواهب الهی، در تاریخ آل مظفر. یزدی، معین‌الدین (۱۳۲۶) تصحیح سعید نفیسی، تهران: چاپخانه اقبال.

معرفی نویسندگان

زخرف خانی سمسکنده: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول: Email: kh.zokhrof@gmail.com)
محمود عابدی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
(Email: m.abedi@khu.ac.ir)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Zakhrakhani Semeskandeh: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran.
(Email: kh.zokhrof@gmail.com: Responsible author)
Mahmoud Abedi: Professor, Department of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran.
(Email: m.abedi@khu.ac.ir)